

MARVEL

2

LGY#52

McGUIRE
MIYAZAWA
KÄMPE
HERRING

GHOST SPIDER



دورنام

dorrnaame.blogspot.com

کاری از: کیوان داوند

زمین جی اس. خانه
مرد عنکبوتی تسخیر کننده

محل زندگی جورج و
گوئن دولین استیسی.

شهر دار
چیکار کرده؟!





گرگ-انسان رو
از زندان آزاد کرده.

احتمالاً رقیب
اصلی تو پسر گمشده
شهردار باشه.



ولی اون
بمب گذاری کرد.
مردم مردند. ممکن بود
هری هم بمیره.*

می دونم. شهردار با کلی مدارک اداری و رسمی اومد
که به امضای وکیل هایی رسیده بود که اصلاً نمی تونیم
نگاهشون کنیم. اونها گفتند که چون جان در زمان حمله
در حالت عادی نبوده اتهامات رد شدند.

راست می گه.
الان جان چیمیسون
یه مرد آزاده.

چطور
قانونیش
کردند؟

*کمیک اسپایدر گوئن: گست اسپایدر ۹#.



نباید اینطور
می شد. ولی با قدرتی
که خانواده چیمیسون داره
و با پولی که خرج
می کنند...

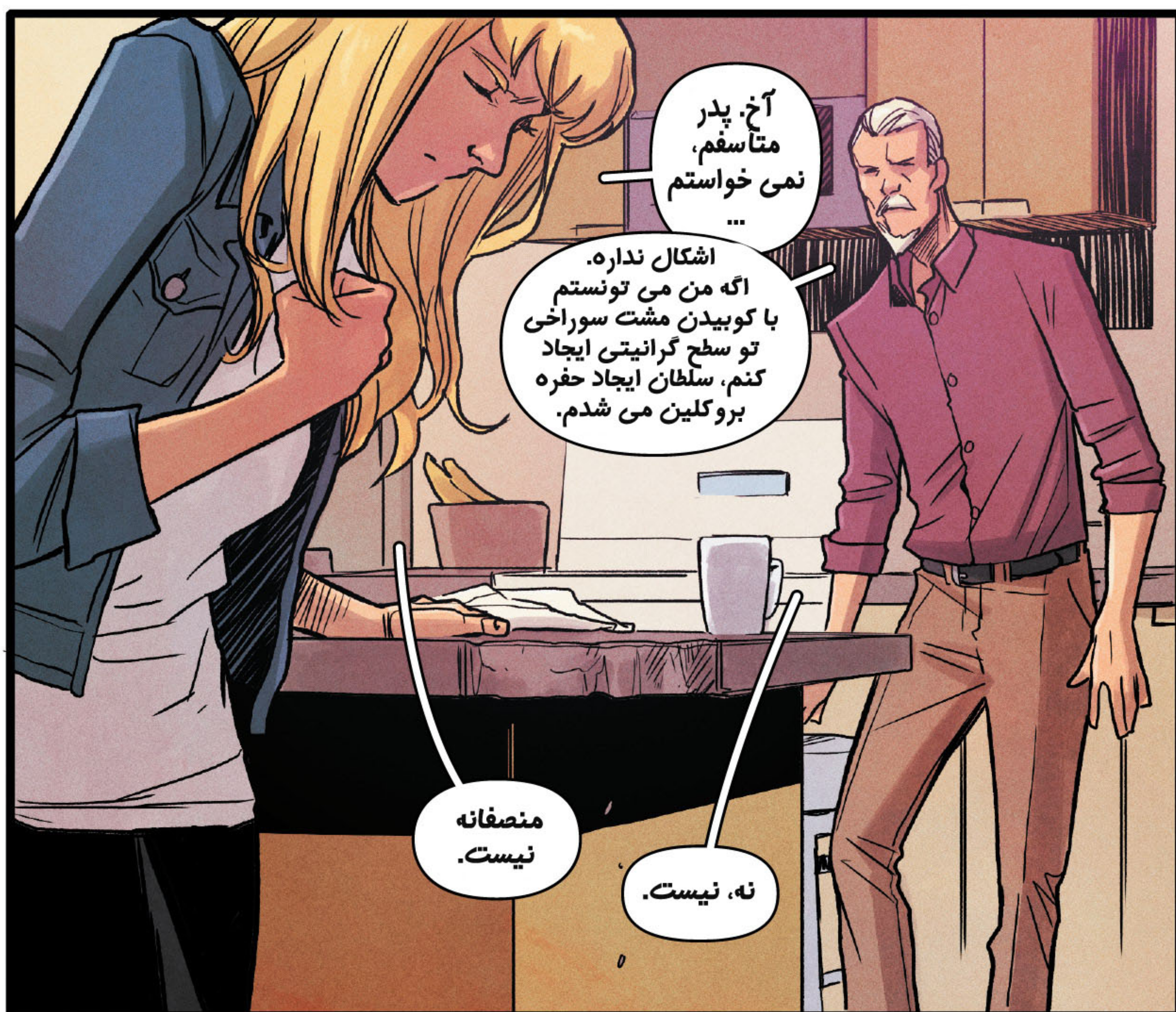
می بخشی اینو
می گم ولی اوضاع
خارج از دستان
ماست.

این مسئله
خیلی... آزرگ!



عادلانه
نیست!

CRACK

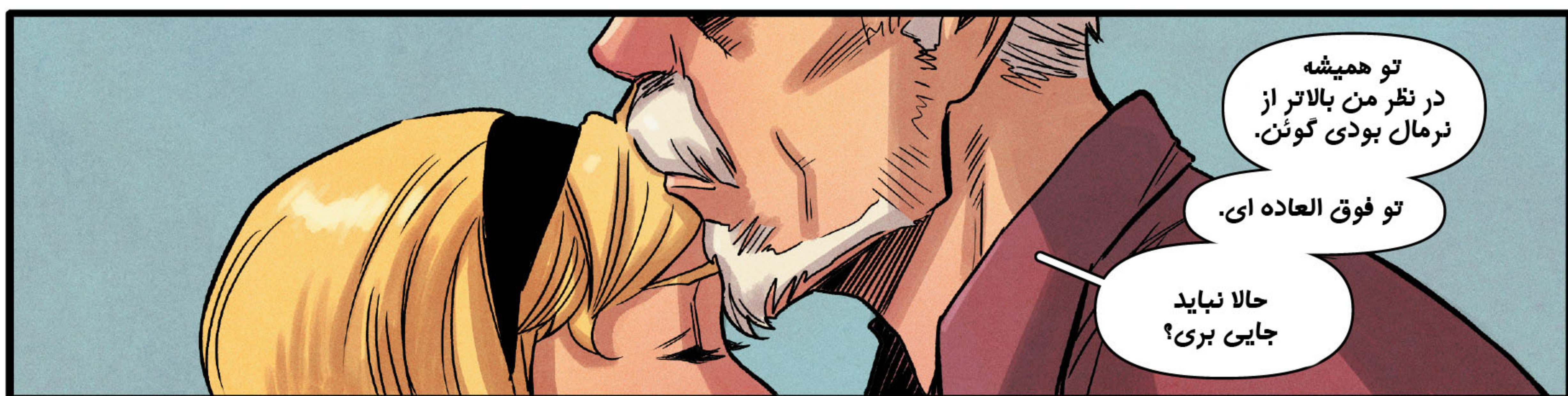


آخ. پدر.
متأسفم.
نمی خواستم
...

اشکال نداره.
اگه من می تونستم
با کوبیدن مشت سوراخی
تو سطح گرانیته ایجاد
کنم، سلطان ایجاد حفره
بروکلین می شدم.

منصفانه
نیست.

نه، نیست.

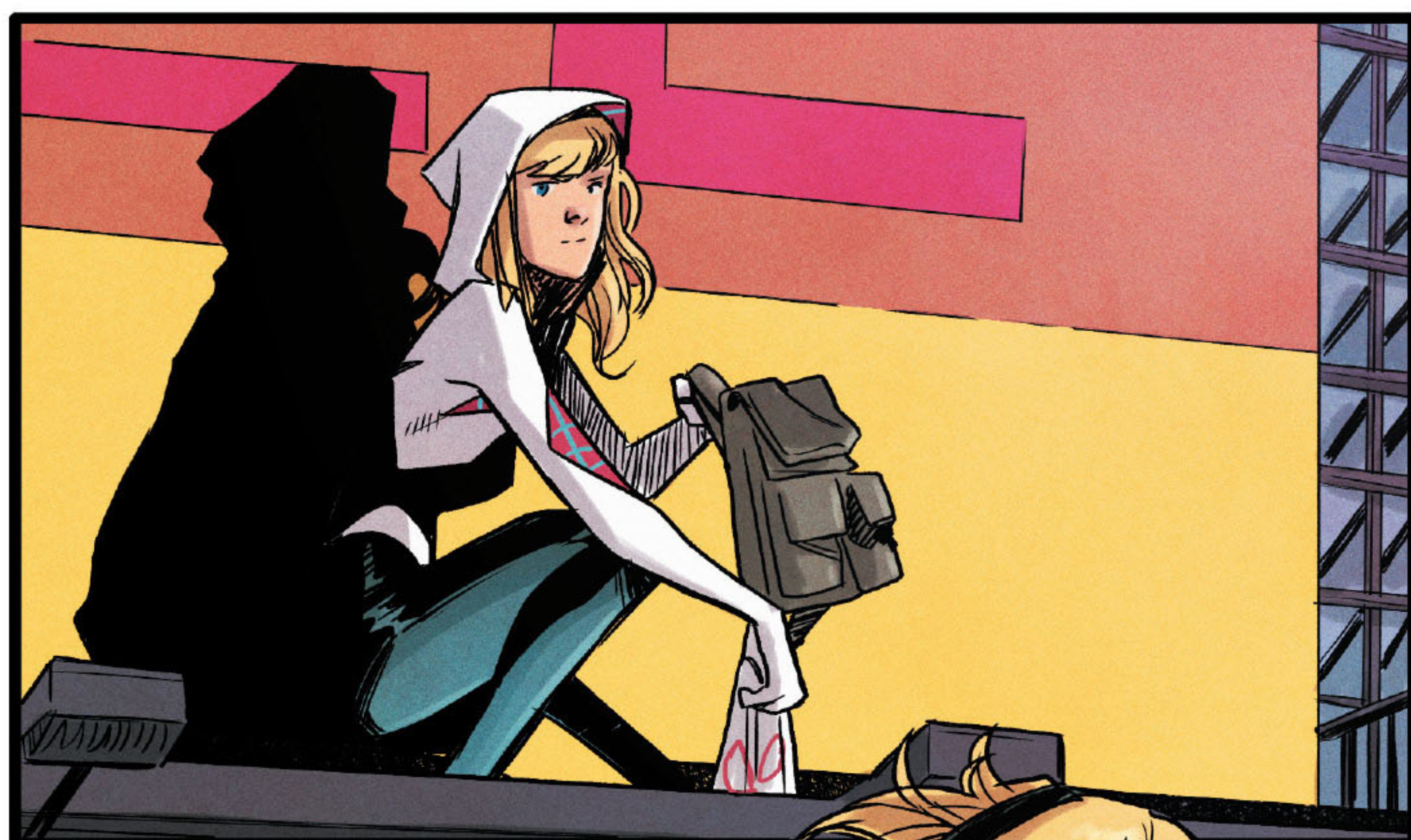




هیچوقت قرار
نیست راحت
باشه.

کلاً طرفدار چیزهای
کنترل شده نیستم.

زمین جی آی جی.
محل دانشگاه
امپایر استیت.



چیپس های کیل.
نمک کافی بعش بزنی
تقریباً طعم غذای واقعی
می ده.

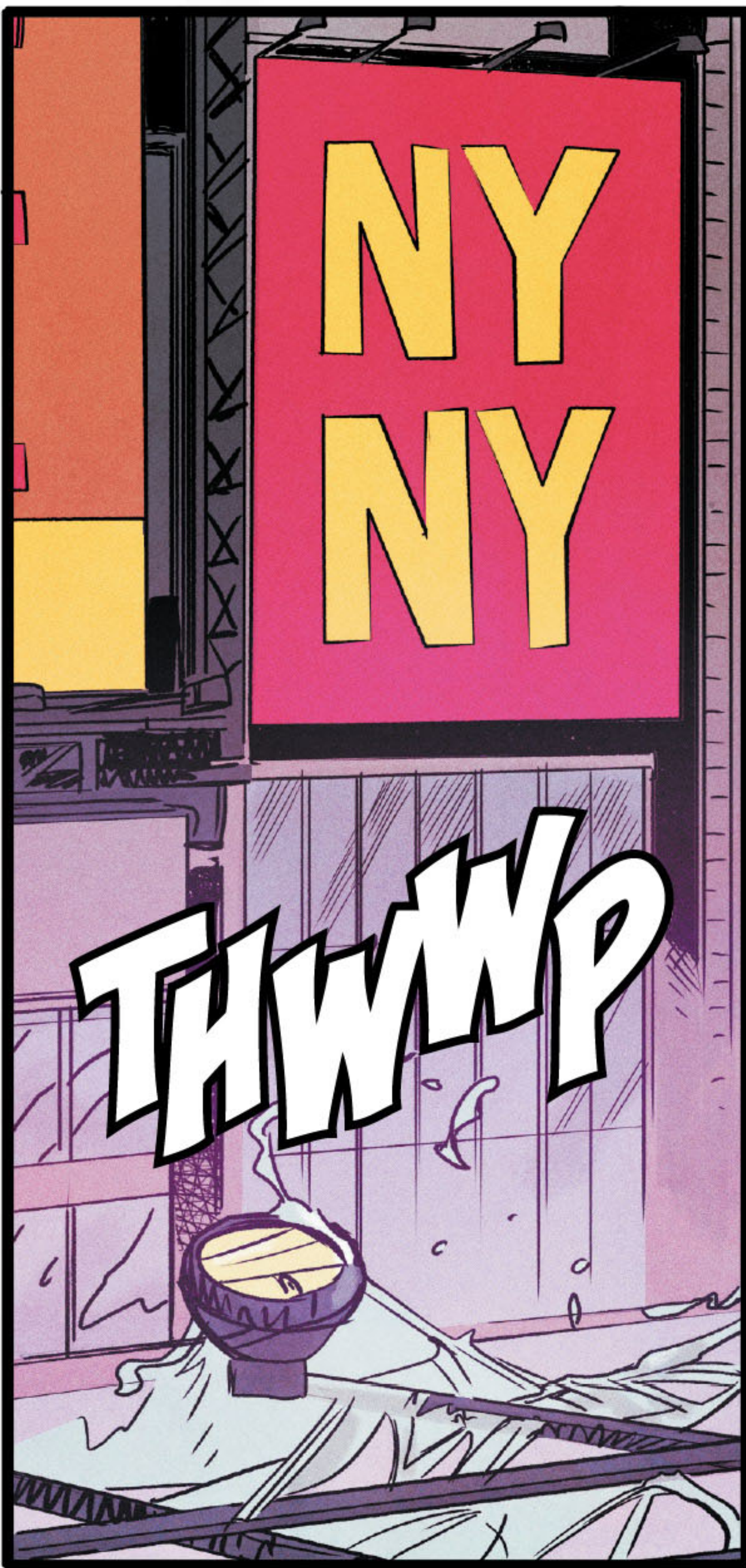


ولی سلولز بهم کمک
می کنه تا لباسم زودتر
ترمیم بشه.

وقتی تمام قدرت هام
درست کار می کنه، ابر
قهرمان شدن کار ساده تریه.



و چون ماشین
ندارم به روش ابر-
قهرمانی باید برم
مدرسه.



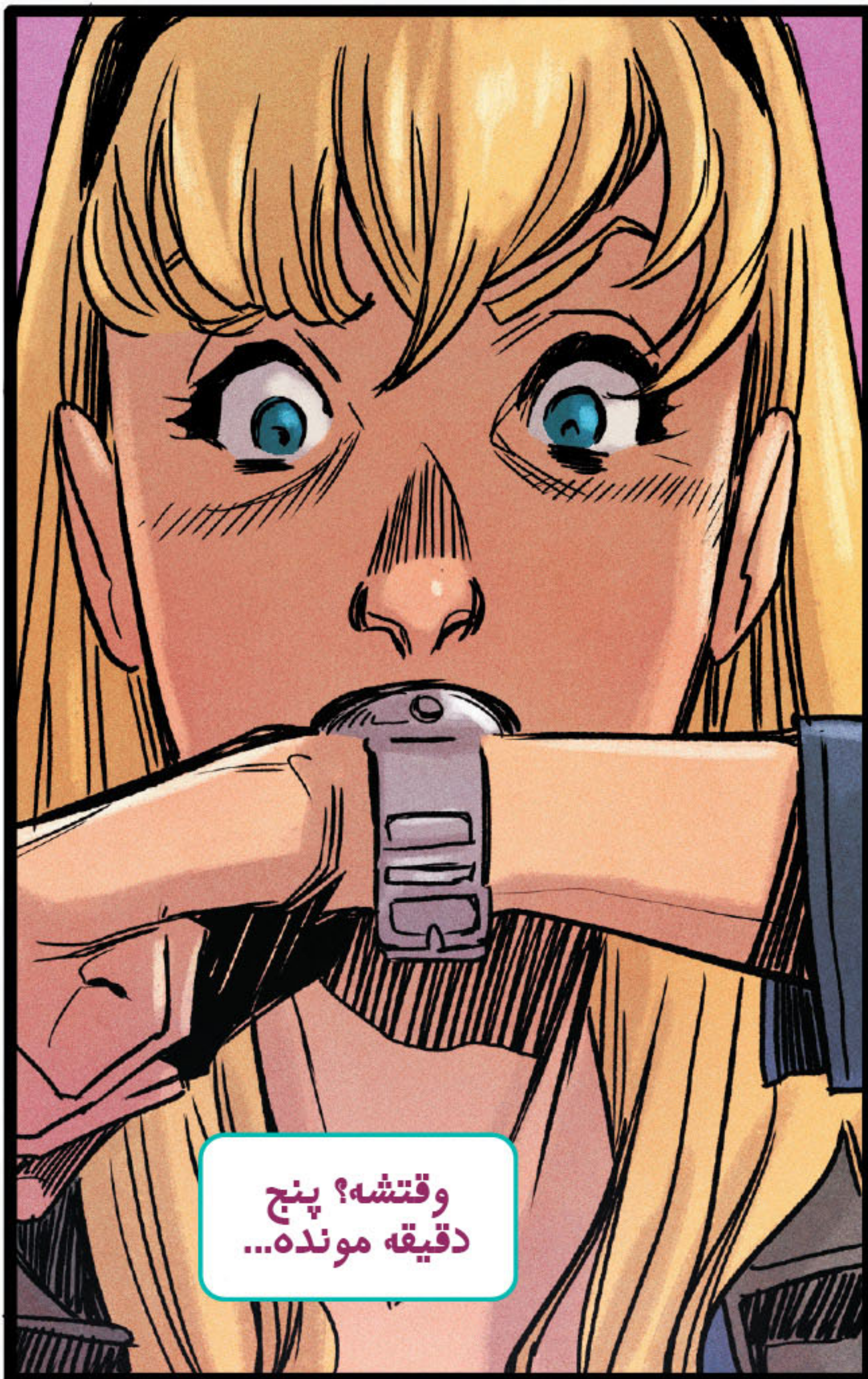
تو این دنیا ابرقهرمان های
بیشتری نسبت به دنیای
من وجود داره.

ولی انگار هیچکس
بالا رو نگاه نمی کنه.



من دوباره به هویت
سری دارم، که به معنی
اینه که حساسیت
قضیه یادآوری بشه.

هیچکس منو به حساس
بودن محکوم نکرده. ولی
اشکال نداره.



وقتشه؟ پنج
دقیقه مونده...



...تا برسم
به کلاس.

نباید
دیر کنم!



واوا!

اوقفه!

ببخشید!
خیلی متأسفم!
اصلاً حواسم به جایی
که می رفتم نبود!

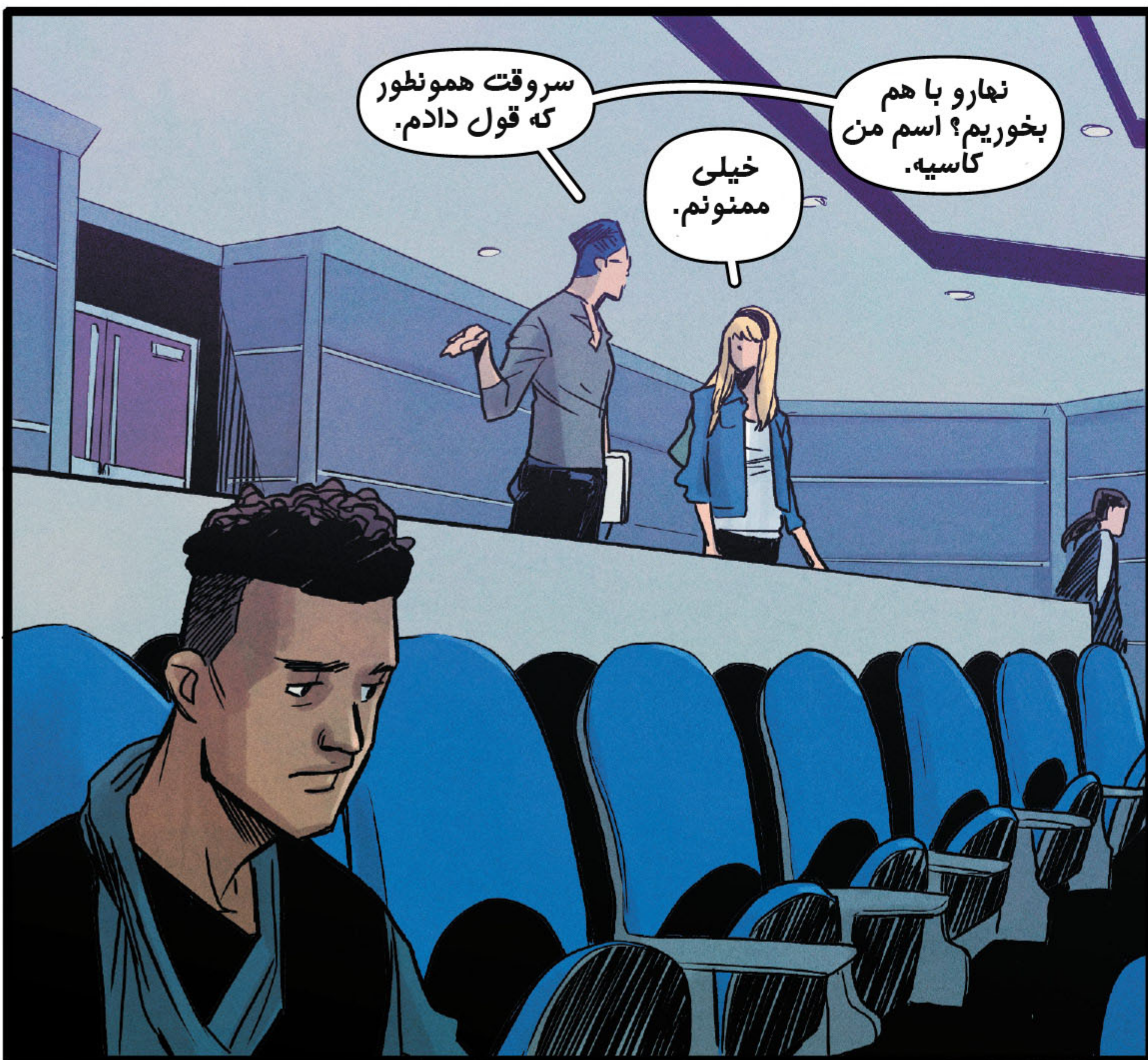


شما اون حس "اگه دیر برسم
منو با لگد از مدرسه میندازن
بیرون" محصلای جدید
رو داری.

چطور حدس
زدیدی؟

آم. درسته.
می دونید کلاس علم
سیاسی پروفیسور لارکین
کجا تشکیل می شه؟

دنبالم
بیایید.



سروقت همونطور
که قول دادم.

خیلی
ممنونم.

نعارو با هم
بخوریم؟ اسم من
کاسیه.



گوئن.
امروز نمی تونم.

خوب،
می تونم شماره تلفن
شما رو داشته باشم؟



می دونم چطور ممکنه به نظر بیاد، راستش
من اصلاً تلفن ندارم.

بسیار خوب.
نمی خواستم مجبور تون
کنم. از دیدارتون خوشحال
شدم.

نه، راست
می گم. تلفن ندارم. به
همین خاطر ساعت
دستم می کنم.

ولی خوشحال
می شم شماره
شما رو داشته
باشم.



تو آدم جالبی هستی دختر تازه وارد.

من فقط دنبال درس خوندم.



مگه ما چیکار می کنیم؟



هنوز هیچی نشده دوست پیدا کردن! یا...

باید یه تلفن داشته باشم که اینجا کار کنه.

نمی دونم رید ریچاردز می تونه تلفن منو برای رومینگ برنامه ریزی کنه یا نه.



سلام. به کلاس درس مقدمه ای بر علوم سیاسی خوش اومدید.

قراره خیلی وقت با هم باشیم.

من به شما احترام می ذارم ولی از خوراکی خوردن تو کلاس و حرکات اضافی خوشم نمیاد.

ازتون می خوام شما هم به من احترام بذارید و تو کلاس پیامک نزنید.



شروع شد. اولین کلاس من در اولین روز دانشکده.

(اون دختره که اونجا نشسته پیژامه تنشه.)



گوئندولین
مکسین استیسی.

حتی اسمشو
عوض نکرده.

تنها توضیحش
می تونه این باشه
که می خواد پیدا
بشه.



در مورد شما خانم
استیسی، من همیشه
متعجب هستم.



دیگه نمی خوام
هرگز از دستت
بدم.



پروفسور گوارینوس
از اینکه دوباره می بینمتون
خوشحالم.

حالتون
بهتره؟

بله، بهترم.
تقریباً به حالت
قدیمی خودم
برگشتم.



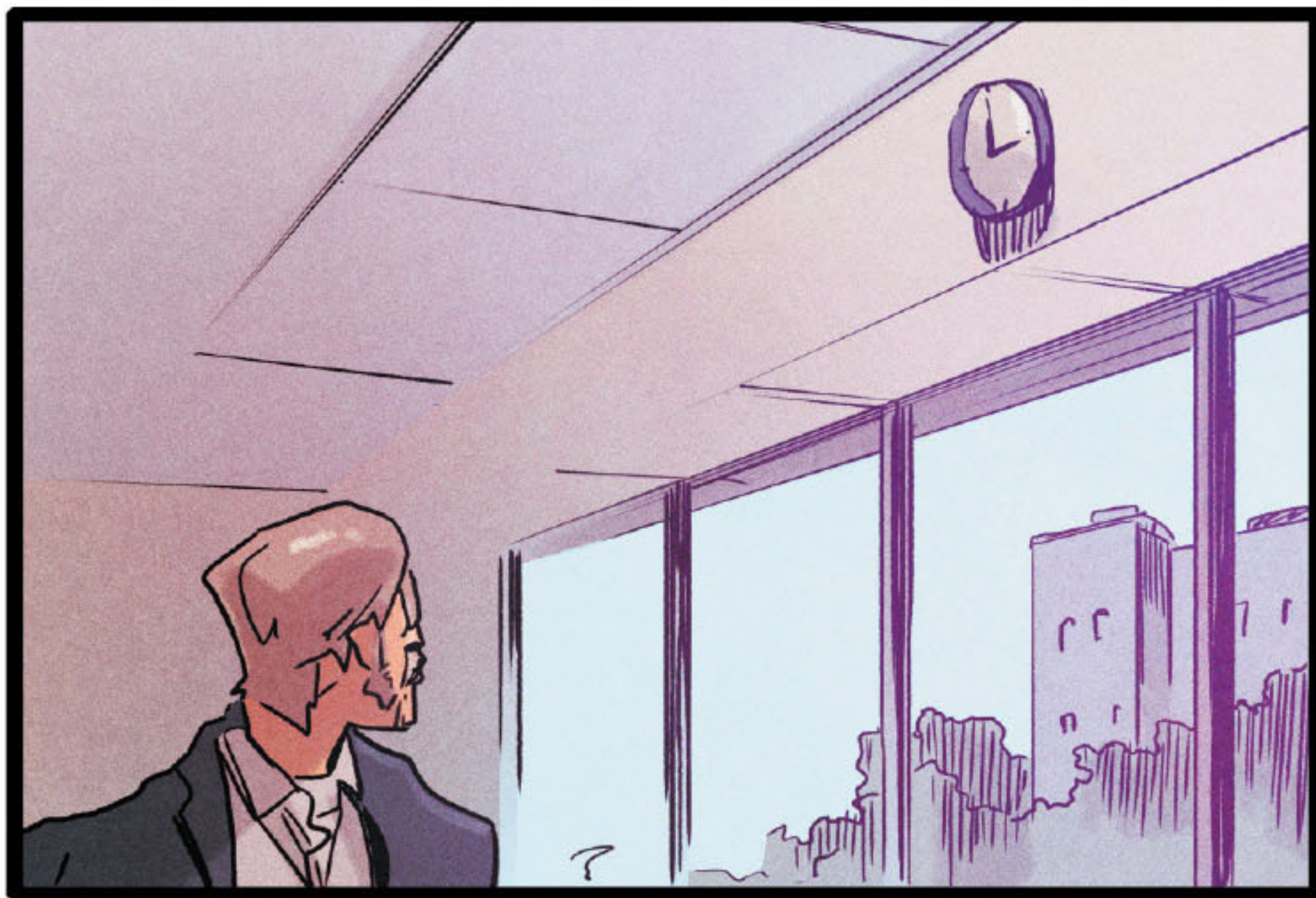
از شنیدنش خوشحالم.
جاتون تو هیأت علمی
اخلاقیات خالیه.

نمی دونم
دوباره بتونم تو
پست قبلی خودم فعالیت
کنم یا نه. قصد دارم تو
وقت خالی بعد از کلاس ها
یه پروژه تحقیقاتی رو
انجام بدم.



قراردادتون
بهتون این امکان
رو می ده. ما هنوز
خواستار برگشت
شما هستیم.

و گاهی
اوقات ما چیزی رو
که دنبالش هستیم
بدست میاریم.



بهتر شد...
< نفس نفس > خیلی
بهتر شد.

هنوز جا
برای بهتر شدن
هست. ولی خیلی
بهترم.





وقتی فرم شغال رو انتخاب کردم، می دونستم نیاز خواهم داشت گاهی اوقات به شکل انسان ظاهر بشم.

ولی ژن شغال من غالب تره.

مردم می تونند خیلی تنگ نظر باشند.

مردم می‌توانند خیلی
تنگ نظر باشند.

شاید اون می دونه که من
تنها نمونه از نوع خودم
هستم. هر وقت خودم رو به
فرم انسانی خودم برمی گردونم،
بعد بهتر خودم رو به انقراض
نزدیک تر می کنم.

ذاتاً به نمونه
رو به انقراض
هستم.

ذاتاً به نمونه
رو به انقراض
هستم.

...من تنها نمونه
گونه خودم نخواهم
بود.

نه بعد از اینکه
خانم استیسی
دوست داشتنی
دوباره برگشته.

نه بعد از اینکه
خانم استیسی
دوست داشتنی
دوباره برگشته.

[illegible]

آآآآآآآآآآ!



خیلی وقته که
منتظرش بودم.

تکلیف شما قبل از
کلاس درس اینه که فصل
اول از سریال ورونیکا مارس رو
ببینید و تم داستان اون رو با تعریف
سبک نوار کلاسیک که توسط
چندلر و کین ارائه شده
مقایسه کنید.



می دونستم که کلاس رسانه می تونه
خیلی عجیب باشه. ولی تماشای
تلویزیون به عنوان تکلیف؟

شبیه پیچوندنه
تا انجام تکلیف.

تقریباً
همینطور...

در مورد تکلیف
شاکی نباش. می تونی
با یه چشم باز و یه سیستم
استریمینگ انجامش
بدی.



سیستم
استریمینگ داری؟

من تو این
شهر تازه واردم.
هنوز کاری نکردم.

من هم تازه واردم،
ولی اطلاعات سایتی که
تو استرالیا استفاده می کردم
همراهمه. چطوره ثبتش کنیم
و با هم تماشا کنیم؟



آخرین
کلایت کیه؟

این آخرین
کلاس بود.

کلاس بعدی
من زیست شناسیه و
به پدرم قول دادم که بعد از
تموم شدن کلاس ها برم خونه.
ساعت چهار جلوی دانشکده
می بینمت.

مثل یه برده.



آه.
کوئینز.

تو ملبورن متولد
شدم و بزرگ شدم.
تو چطور؟

اهل استرالیا
هستی؟

بنجی.
از دیدارت خوشوقتم.

اسمم
گوئنه.



فکر کردم گفتی تو این شهر تازه واردی.

کوئینز،
اوهايو.

مردم اسم رو
نيمه ادا نمي كنند.

اگه بفهمي
چقدر از چيزها تكرر
مي شن متعجب مي شي.



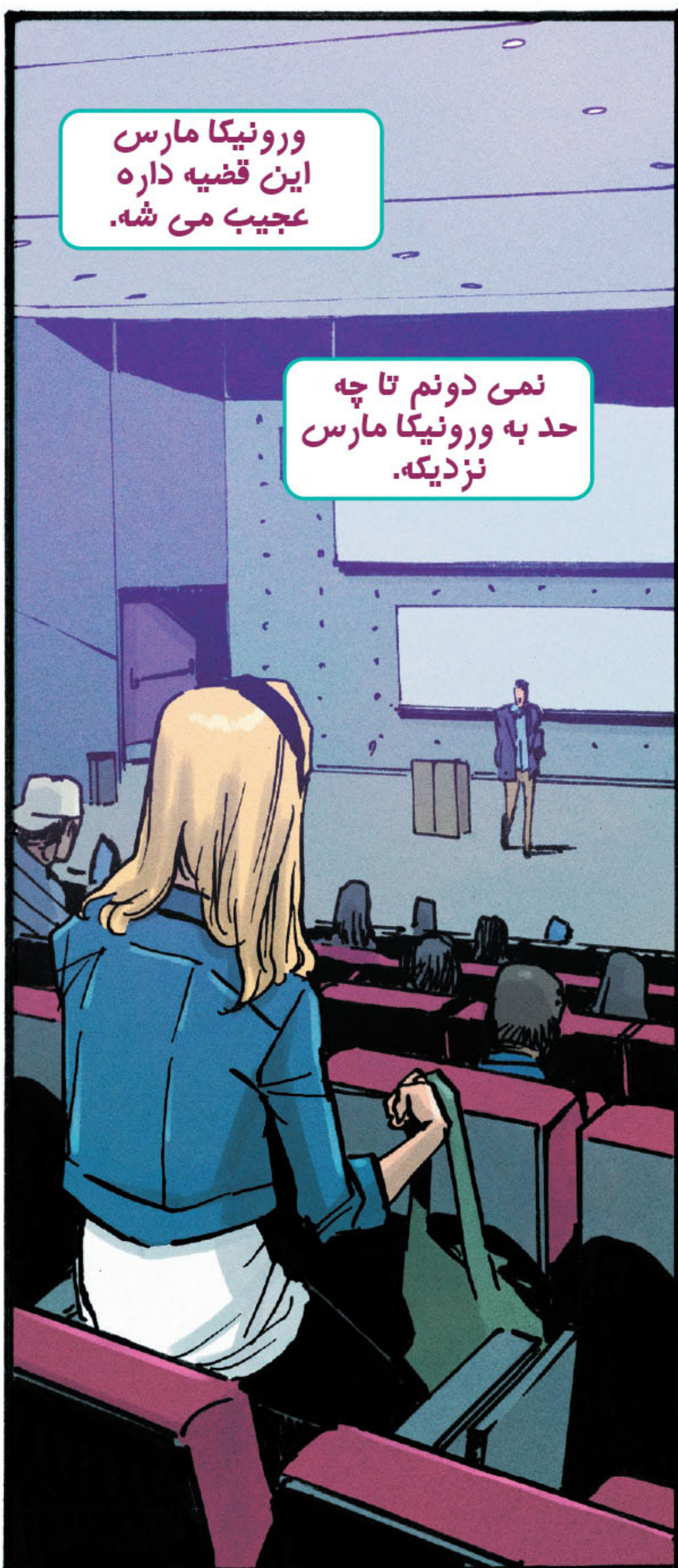
خوب، از آشناييت خوشحال
شدم. فکر کنم نصف دانشجوها
تا حالا تصميمشونو گرفتند كه چهار
سال آينده رو با كي مي خوان
دوست باشن.

و دوست
من پيتر گفت
كه دانشكده مثل
ديپرستان
نيست.



ساعت
چهار
هستي؟

هستم.



ورونيكا مارس
اين قضيه داره
عجيب مي شه.

نمي دونم تا چه
حد به ورونيكا مارس
نزديكه.



سلام به
همه، به كلاس
مقدمات اخلاقيات در
زيست شناسي پرفسور
كانر خوش اومديد. من
پيتر پاركر هستم.

امروز به جاي
پرفسور كانرز من
سخنراني مي كنم.

هاه. پرفسور پيتر،
اين ديگه جديده.

بعد از کلاس-



خانم استیسی؟
من تو نم
وقتو نو بگیرم؟



بله آقای
پارکر؟

نظرتون درباره
اولین روز کلاس ها
چییه؟ مشکلی
ندارید؟

کلاس ها رو دوست
دارم و با افراد خوبی
آشنا شدم. فکر کنم
خوب باشه.

به پدرم قول
دادم به محض تموم شدن
کلاس هام برم خونه. پس
باید برم.



باشه. چیپس های
کیل کمک کرد؟

خوبه.

بله. کلاً
شروع کردم سبزیجات
مصرف می کنم و سردرد هام
بهتر شدند.

یه کم
آزار دهنده و بچه گانه
است، ولی بهترم.



ببینید. الان
ساعت دو شده. برای
تکالیف ساعت چهار
قرار ملاقات دارم.

باید
برم.

مواظب
باشید لو
نرید.

پیتز.
من تو کارم بهتر
از این چیز هام.

دیدن دوباره یه پیتر
پارکر دیگه جالبه.

اینکه اینقدر ازم
مسن تره عجیبه.
خوشم نیومد.



وقتشه ببینم
ام جی امروز چند
تا برام پیام فرستاده.

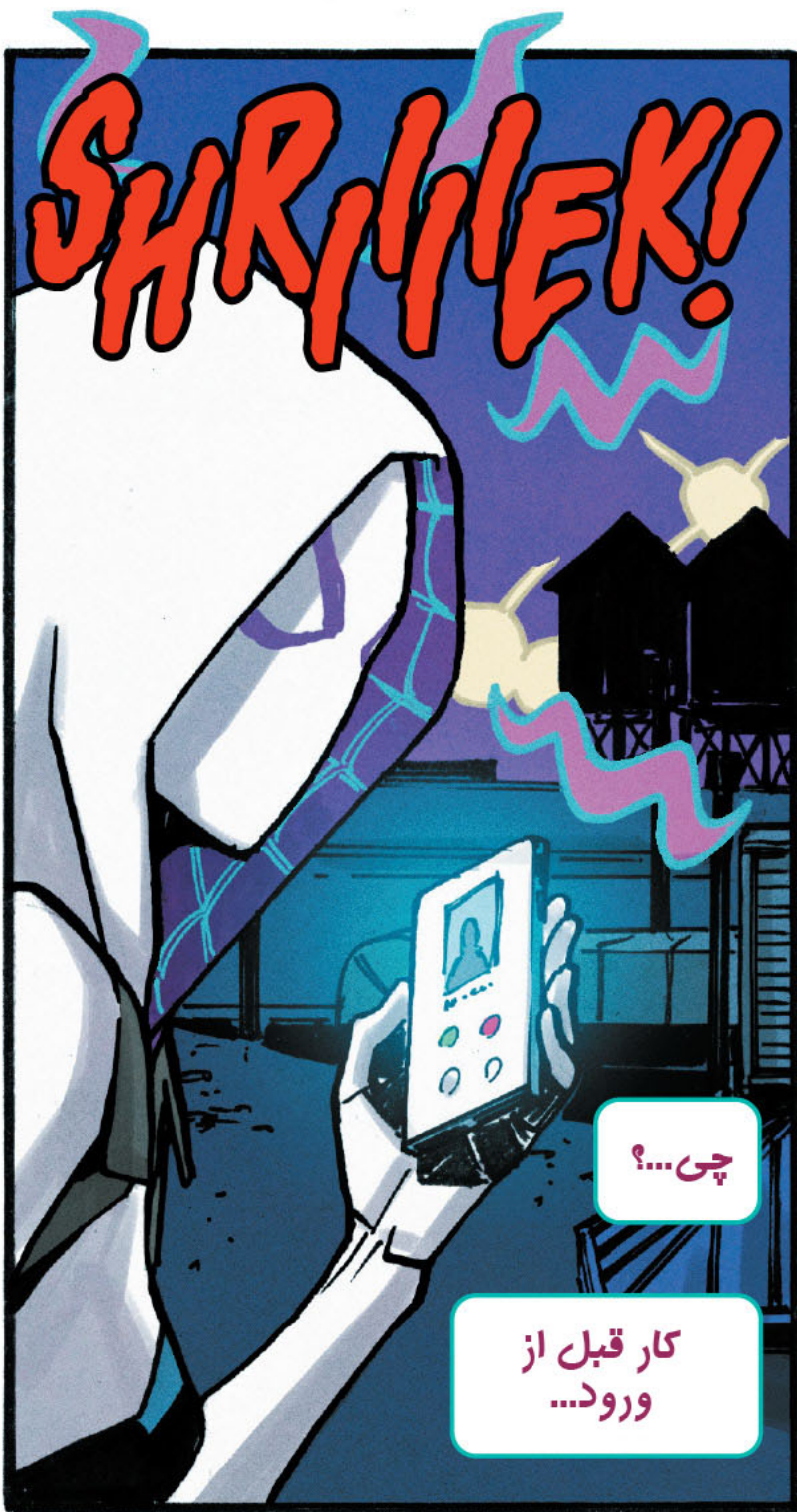
آو.

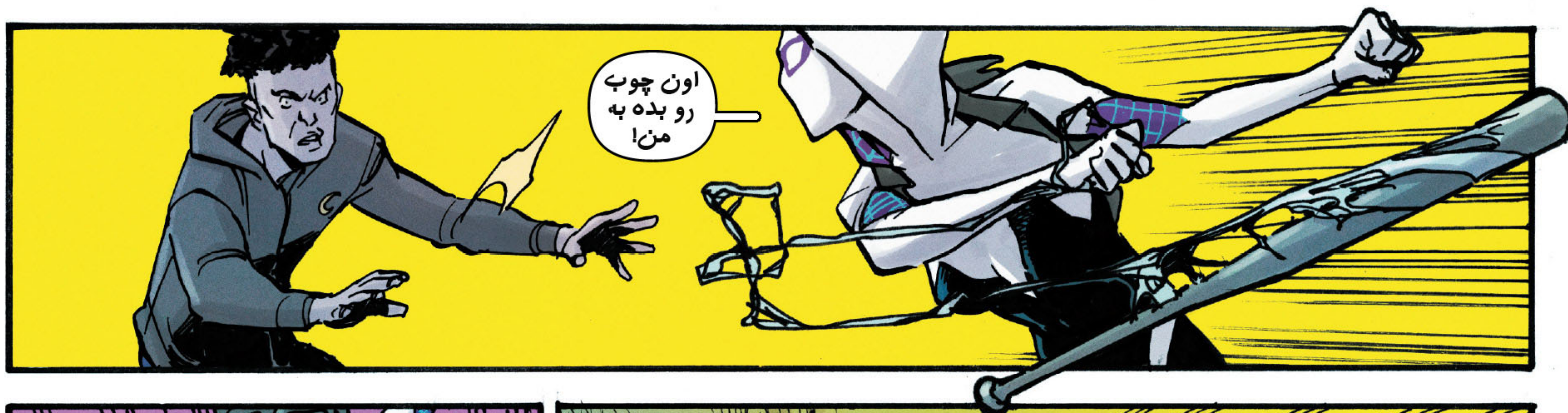
JAB

فکر نمی کنم هیچوقت
به سوراخ کردن
انگشتم برای رفتن به
خونه عادت کنم.

هه. هفده پیام.
حتی هنوز دیر
نکردم اینقدر پیامک
اومده.

هه. هفده پیام.
حتی هنوز دیر
نکردم اینقدر پیامک
اومده.







شما آدم ها
اصلاً اخلاق ندارید!



آآررگ!



بهتره فرار
کنی!

به رئیس
بگو دور دوست های
منو خط بکشه.



شما بچه ها حالتون
خوبه؟ می دونید
که اینجا از میدون تایمز
خیلی دوره.

میکاه شنیده
بود که یه رستوران
مراکشی خیلی خوب
این طرفه است.

آهان...
دارید دنبال کافه
موگادور می گردید. اینورا
نیست.

دیدید؟
گفتم که!



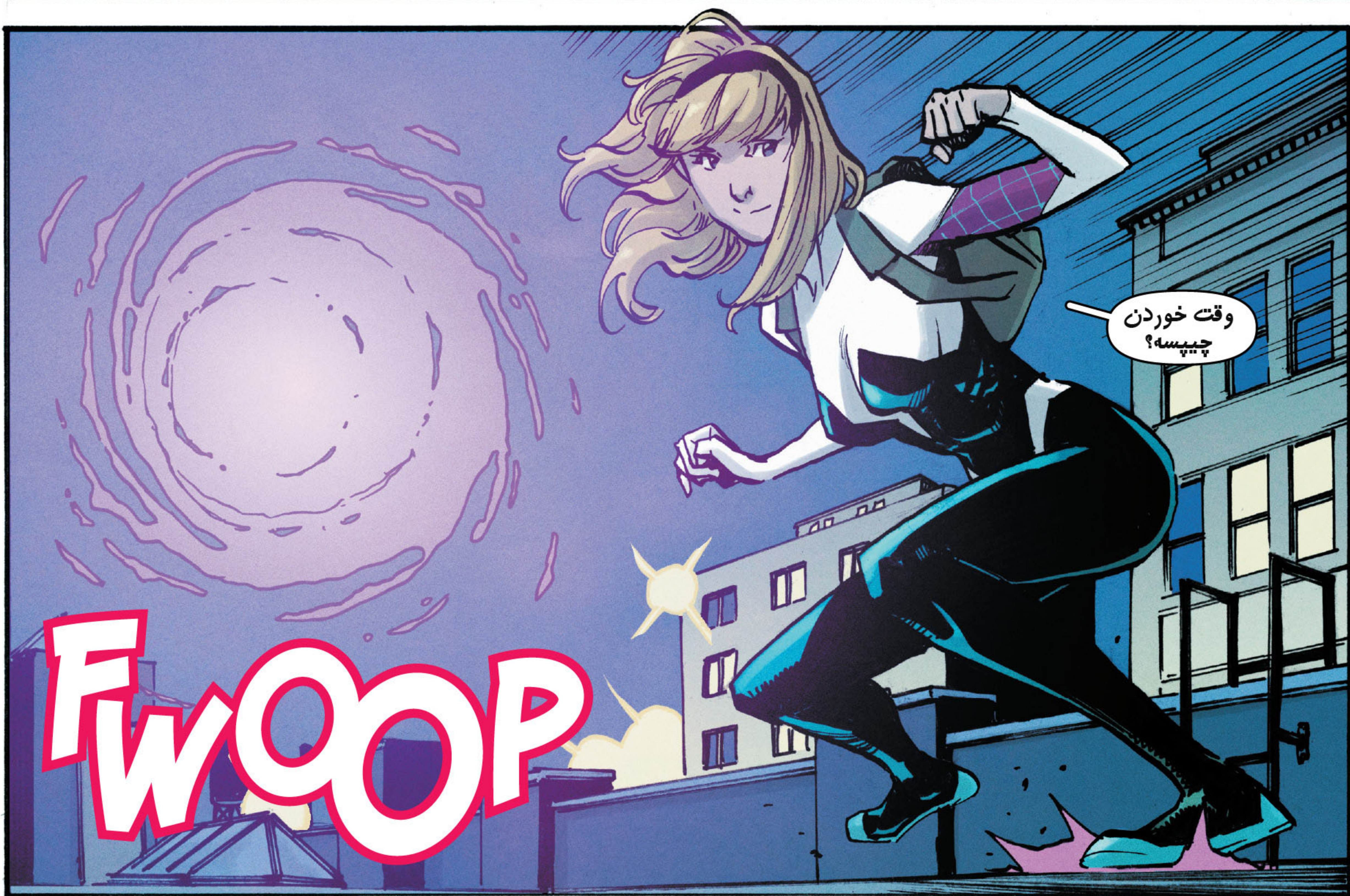
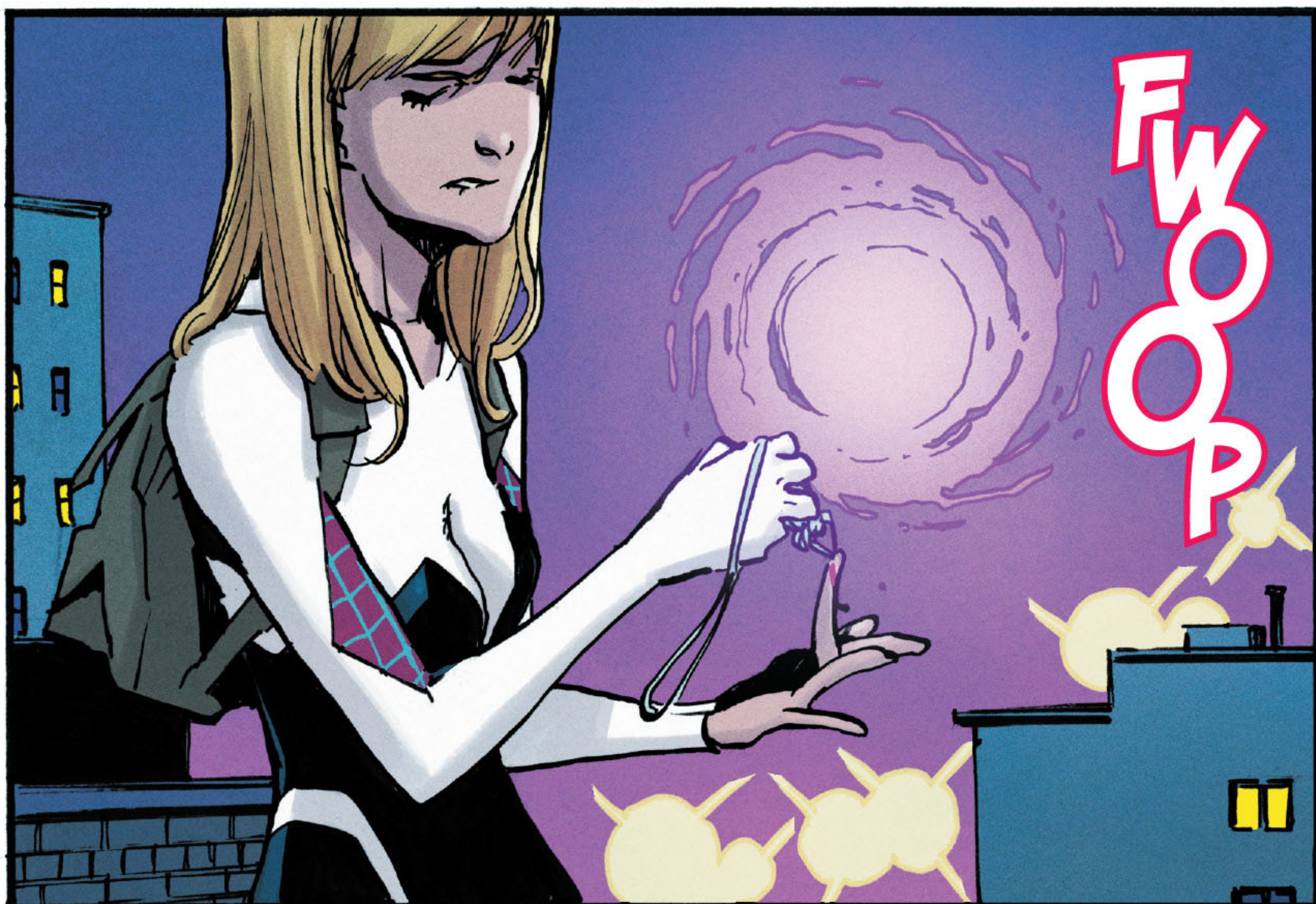
بسیار خوب.
می تونید به پلیس
زنک بزنید؟ من
می خواستم یه
کار دیگه بکنم.

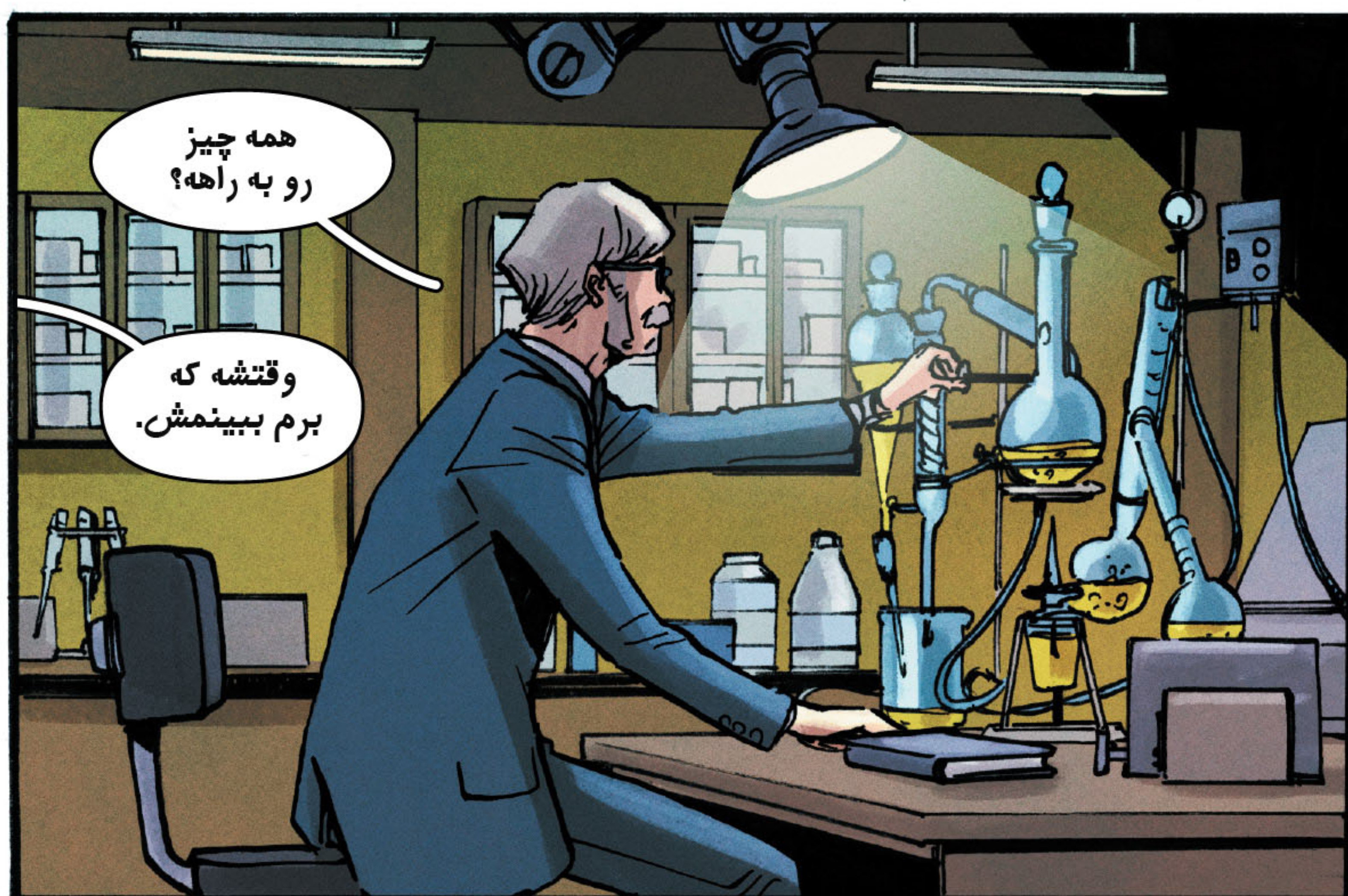
الان.

ممنون.

خواهش
می کنم.







همه چیز
رو به راهه؟

وقتشه که
برم بینمش.



خوبه. هر
چقدر می تونی
ازش اطلاعات بدست
بیار. هیچ اطلاعاتی
بی ارزش نیست.



به نظرم دختر
خوبیه. تو که
نمی خواهی اذیتش
کنی؟

هرگز به
خانم استیسی لطمه
نمی زنم. فقط می خوام
بدونم چطور اومده
اینجا.

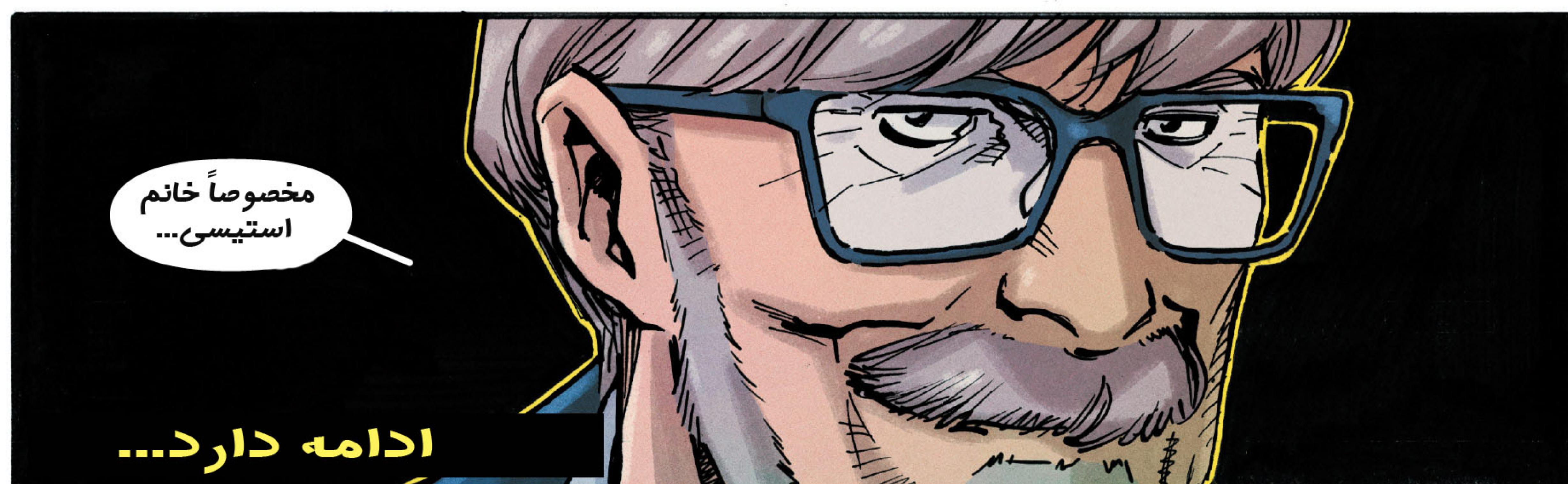


هنوز
برام
عجیبه...

همه نفع
می برند.

باهش دوست
شو. از اسرارش سر
در بپار. بعدش هر چی
بخواهی بهت می دم.

همه نفع
می برند. حتی
گوئن؟



مخصوصاً خانم
استیسی...

ادامه دارد...

NEXT: #3



WHEN'S
IT
OUT?

NEXT: #3



دورنام

dorrnaame.blogspot.com

مرجع کمیک های فارسی

WHEN'S
IT
OUT?